

کنترل داخلی

انتشار	سرفصل اطلاعات	ردیف
(ضمیمه شماره ۱)	کلیات مربوط به نظام کنترل داخلی در چارچوب ضوابط بانک مرکزی	۱

تعریف کلی نظام کنترل‌های داخلی:

کنترل داخلی بخش مهمی از مدیریت یک سازمان است. استقرار و استمرار یک نظام کنترلی داخلی توانمند در سازمان، امکان مدیریت کارآ و موثر سازمان را برای مدیریت آن فراهم می‌آورد. کنترل‌های داخلی باعث افزایش کارایی، کاهش ریسک از دست دادن دارایی‌ها و حصول اطمینان معقول از قابلیت اعتماد صورتهای مالی و رعایت قوانین و مقررات می‌شوند. کنترل داخلی به معنای فرآیندی است که توسط هیات مدیره، مدیریت و دیگر کارکنان یک موسسه اجرا می‌شود و هدف از ایجاد آن، کسب اطمینانی منطقی و معقول از دستیابی به اهداف ذیل است:

- اثربخشی و کارایی عملیات
- قابلیت اعتماد به گزارش‌گری مالی
- پایبندی به قوانین و مقررات جاری

چهار حوزه اولیه کنترل‌های داخلی عبارتند از:

- ساختارهای سازمانی (تعریف وظایف و مسئولیت‌ها، محدودیت‌های تعیین شده برای تصویب وام، و رویه‌های تصمیم‌گیری)
- رویه‌های حسابداری (رفع مغایرت از حساب‌ها، فهرست‌های کنترلی، ترازهای آزمایشی ادواری و غیره)
- اصل "نظارت دقیق" (تفکیک وظایف گوناگون، بازبینی مجدد، کنترل مجدد دارایی‌ها، درج امضاهای ۲ نفره، و غیره)
- کنترل فیزیکی اموال و سرمایه‌گذاری‌ها

بنابراین کنترل داخلی باید موارد ذیل را در برگیرند:

- ترتیبات مشخصی برای تفویض اختیار و مسئولیت
- تفکیک وظایف تعهدآور بانک، پرداخت وجوه، و حسابداری دارایی‌ها و بدهی‌ها از یکدیگر
- رفع مغایرت از این فرآیندها
- محافظت از اموال بانک
- و حسابرسی مناسب و مستقل داخلی و خارجی و وظایف تطبیقی جهت آزمون میزان پایبندی به این کنترل‌ها و نیز به قوانین و مقررات ذی‌ربط.

نظام کنترل داخلی همچون بازوی توانمندی است که به کمک آن می‌توان ریسک‌های بانکی را به شیوه‌ای اثربخش مدیریت و از استقرار نظام توانمندی از حاکمیت شرکتی اطمینان حاصل نمود.

کلیات نظام کنترل داخلی در بانک مشترک ایران و ونزوئلا

در ارزیابی نظام کنترل داخلی بانک، از اصول تدوین شده در مستند "چارچوبی بر نظام کنترل‌های داخلی در واحدهای بانکی" ابلاغی بانک مرکزی ج.ا.ا استفاده گردیده است.

بانک مشترک ایران و ونزوئلا بر این باور است که کنترل‌های داخلی مؤثر، عاملی ضروری برای عملکرد احتیاطی بانک به شمار آمده و در کل، نقش مهمی را در افزایش ثبات نظام مالی بانک ایفا می‌نماید.

اصول حاکم در روند ارزیابی نظام کنترل داخلی بانک

نظارت مدیریت و فرهنگ کنترلی

۱- مسئولیت تصویب و بازبینی ادواری استراتژی‌های کلی تجاری و سیاست‌های عمده بانک بر عهده هیأت مدیره قرار دارد. همچنین شناخت ریسک‌های عمده فراروی بانک و تعیین سطوح قابل قبولی از ریسک‌های مزبور و حصول اطمینان از اینکه مدیریت اقدامات ضروری لازم را جهت شناسایی، اندازه‌گیری، نظارت و کنترل آنها به عمل آورده است، بر عهده هیأت مدیره بانک می‌باشد. تصویب ساختار سازمانی توسط هیأت مدیره انجام گرفته و پایش و حصول اطمینان بدین منظور که مدیریت، بر اثربخشی نظام کنترل داخلی نظارت دارد توسط هیأت مدیره انجام می‌گیرد به نحوی که با کنترل مستمر آن، اطمینان حاصل کند نظامی مؤثر و رضایت‌بخش از کنترل‌های داخلی در سطح بانک ایجاد گردیده و حفظ می‌شود یا خیر؟

۲- مسئولیت اجرای استراتژی‌ها و سیاست‌های مصوب هیأت مدیره بر عهده مدیریت ارشد بانک می‌باشد. توسعه روش‌هایی برای شناسایی، اندازه‌گیری، نظارت و کنترل ریسک‌هایی که بانک درگیر آنها است، حفظ ساختار سازمانی موجود به شکلی که مسئولیت‌ها، اختیارات و روابط گزارشگری را به طور واضح تعیین می‌نماید؛ حصول اطمینان از این که مسئولیت‌های تفویض شده به شکلی مؤثر به اجرا درمی‌آیند؛ ایجاد خط مشی‌هایی مناسب برای کنترل داخلی؛ و نظارت بر کفایت و اثربخشی نظام کنترل داخلی از دیگر وظایفی است که بر عهده مدیریت ارشد بانک سپرده شده است.

۳- حسب مسئولیت هیأت مدیره و مدیریت ارشد اقدام در جهت ارتقاء استانداردهای عالی اخلاقی و صداقت صورت می‌گیرد و اهمیت کنترل‌های داخلی برای کلیه سطوح کارکنان بیان و مورد تأکید قرار گرفته است.

تمامی کارکنان بانک به نحو مقتضی از نقش خود در فرآیند کنترل‌های داخلی مطلع شده و تأکید به مشارکت کامل در انجام این مهم گردیده است.

شناخت و ارزیابی ریسک

۴- در نظام کنترل داخلی بانک سعی در شناخت و ارزیابی مستمر ریسک‌های عمده‌ای شده که بر دستیابی به اهداف بانک- به شکلی نامطلوب- اثر می‌گذارند، به نحوی که ریسک‌هایی را که بانک با آن مواجه است را پوشش دهد.

فعالیت‌های کنترلی و تفکیک وظایف

۵- فعالیت‌های کنترلی، بخش جدایی‌ناپذیری از فعالیت‌های روزانه بانک را تشکیل می‌دهد. در این مسیر سعی شده ساختار کنترلی مناسبی ایجاد شود و در آن برای هر یک از سطوح کاری، فعالیت‌های کنترلی مربوط تعریف گردد.

این امر موارد ذیل را شامل شده است:

انجام بررسی توسط سطوح عالی مدیریت، کنترل مناسب فعالیت‌های واحدهای صنفی و ستادی، کنترل‌های فیزیکی، بررسی میزان انطباق با حدود تعیین شده برای مقدار منابع در معرض ریسک و پیگیری موارد عدم تطبیق؛ وجود نظامی از مصوبات و مجوزها؛ واستقرار نظامی از رسیدگی‌ها و رفع مغایرت.

در این رابطه با رعایت مستندات و دستورالعمل‌های ذیربط کمیته عالی مدیریت ریسک نیز در ساختار بانک ایجاد که حسب مورد و موضوع، اقدامات و تصمیمات ذی‌ربط را اتخاذ می‌نماید.

۶- در نظام کنترل داخلی بانک اقدام به تفکیک مناسب وظایف و عدم تخصیص مسئولیت‌های متضاد به کارکنان شده است.

اطلاعات و ارتباطات

۷- به دلیل پیاده سازی سیستم جامع بانکی موسوم به بنکو در بانک، نظام کنترل داخلی مورد عمل در مورد امور مالی، عملیاتی و تطبیق، از داده های داخلی کافی و جامعی استفاده می کند و در مورد رویدادها و شرایطی که بر تصمیم گیری اثر گذار هستند، اطلاعاتی نیز از بازار بیرونی جمع آوری و اخذ می گردد.

۸- با هدف افزایش مطلوبیت نظام کنترل داخلی بانک، مبادرت به استقرار نظام اطلاعاتی معتبری شده که تمامی فعالیت های عمده بانک را در بر گیرد. در این نظام اطلاعاتی، سعی در ایمن سازی، نظارت مستقل و پشتیبانی از داده هایی شده که در قالب الکترونیکی نگهداری و مورد استفاده قرار می گیرند.

۹- به منظور افزایش کارآمدی نظام کنترل داخلی بانک، سعی شده نظام مذکور از کانال های اطلاعاتی موثری برخوردار شود. کارکنان، از سیاست ها و رویه هایی که بر وظایف و مسئولیت های آنان اثر گذار می شود، به طور کامل مطلع شده و به آنها پای بند هستند.

فعالیت های نظارتی و اصلاح نارسایی ها

۱۰- اثر بخشی کلی کنترل های داخلی بانک، به طور مستمر تحت نظارت قرار می گیرند. نظارت بر ریسک های عمده و انجام ارزیابی های ادواری توسط واحدهای کاری ذی ربط و اداره بازرسی و حسابرسی داخلی به عنوان بخشی از فعالیت های روزانه آنها تعریف گردیده است.

۱۱- اداره بازرسی و حسابرسی داخلی تمام اهتمام خود را در رابطه با پیاده سازی نظام کنترل داخلی به کار گرفته و عملیات مذکور توسط کارکنانی انجام می شود که از نظر عملیاتی استقلال یافته و به نحو مقتضی، آموزش دیده اند و آموزشهای آنها استمرار دارد. اداره بازرسی و حسابرسی داخلی _ به عنوان اصلی ترین واحد برای نظارت بر نظام کنترل های داخلی بانک، گزارش خود را حسب مورد، مستقیماً به هیات مدیره یا کمیته عالی بازرسی و حسابرسی داخلی آن و نیز به مدیریت ارشد بانک ارائه می نماید.

۱۲- تکلیف گردیده که هر گونه نارسایی های احتمالی در کنترل داخلی، خواه توسط واحد کاری ذی ربط شناسایی شود و خواه توسط اداره بازرسی و حسابرسی داخلی یا سایر کارکنان واحدهای کنترلی، در اسرع وقت به مدیریت ذی ربط گزارش شده تا فوراً مورد پیگیری قرار گیرد. همچنین نارسایی های احتمالی مهم کنترل داخلی به مدیریت ارشد و هیات مدیره نیز گزارش می شود.

عناصر اصلی در فرآیند کنترل داخلی

الف- نظارت مدیریت و فرهنگ کنترلی

هیأت مدیره

فعالتهای هیات مدیره موارد ذیل را در برمی گیرد:

- (۱) تبادل نظر ادواری با مدیریت در مورد اثربخشی نظام کنترل داخلی
- (۲) بررسی به موقع ارزیابی‌هایی که مدیریت و بازرسان داخلی و حسابرسان مستقل راجع به کنترل‌های داخلی به عمل می‌آورند.
- (۳) انجام اقدامات ادواری به منظور حصول اطمینان از این که مدیریت، اقدام به پیگیری توصیه‌ها و مواردی نموده است که حسابرسان و مراجع نظارتی درخصوص نقاط ضعف کنترل داخلی بیان داشته‌اند.
- (۴) بررسی ادواری میزان تناسب و همخوانی استراتژی بانک و محدودیت‌های وضع شده در زمینه ریسک
- (۵) از دیگر گزینه‌های مورد استفاده بانک، ایجاد کمیته عالی بازرسی و حسابرسی داخلی جهت کمک در روند اتخاذ تصمیم مقتضی به هیات مدیره در انجام وظایف ذی‌ربط بوده است.

تشکیل کمیته مذکور در بانک این امکان را فراهم آورده که بدون نیاز به صرف وقت قابل ملاحظه از سوی تمامی مدیران، اطلاعات و گزارش‌ها به طور مشروح مورد بررسی قرار گیرند. نظارت بر فرآیند گزارش‌گری مالی و نظام کنترل داخلی بر عهده کمیته بازرسی و حسابرسی داخلی است. این کمیته، در انجام بخشی از مسئولیت‌های خود وظیفه دارد تا بر فعالیت اداره بازرسی و حسابرسی داخلی بانک نظارت نموده و به واسطه ارتباط مستقیمی که با واحد مزبور دارد، از آن پشتیبانی می‌نماید. همچنین کمیته مذکور با حسابرس مستقل نیز در ارتباط بوده و خدمات مورد نیاز آنها را ارایه می‌کند.

ب- شناخت و ارزیابی ریسک

- (۱) چون بانک در یک حرفه ریسک‌پذیر فعالیت دارد لذا به عنوان بخشی از یک نظام کنترل داخلی، شناخت و ارزیابی مستمر ریسک‌های مزبور، امری ضروری به شمار می‌آید. از دیدگاه کنترل داخلی، در ارزیابی ریسک باید اقدام به شناسایی و ارزیابی آن گروه از عوامل داخلی و خارجی نمود که ممکن است دارای اثری نامطلوب بر روی دستیابی به اهداف عملکرد و نیز اهداف اطلاعاتی و تطبیقی بانک باشند. این فرآیند تمامی ریسک‌های فراروی بانک را در بر گرفته و در تمامی سطوح بانک به اجرا در می‌آید.
- (۲) فرآیند ارزیابی موثر ریسک با شناسایی و در نظر داشتن عوامل داخلی (از جمله پیچیدگی ساختار سازمان، ماهیت فعالیت‌های بانک، کیفیت کارکنان، تغییرات سازمانی و جابجایی کارکنان) و نیز عوامل خارجی (از جمله نوسانات اقتصادی، تحولات پدید آمده در صنعت و پیشرفت فناوری) صورت می‌گیرد. دستیابی به این امر، از طرق مختلفی امکان‌پذیر است. ارزیابی کارآمد ریسک به جوانب قابل سنجش و غیرقابل سنجش ریسک پرداخته، هزینه‌های کنترل را در برابر منافع آن مورد ارزیابی قرار می‌دهد.
- (۳) هدف از فرآیند ارزیابی ریسک، تشخیص ریسک‌های قابل و غیرقابل کنترل در بانک است. در مورد ریسک‌های قابل کنترل، بانک این موضوع را مورد ارزیابی قرار می‌دهد که آیا قصد دارد ریسک‌های مزبور را تحمل کند یا خیر.
- (۴) به منظور حفظ اثربخشی ارزیابی ریسک و در نتیجه حفظ کارآمدی نظام کنترلی داخلی، مدیریت ریسک‌هایی را که بر دستیابی به اهداف بانک اثرگذار هستند را به طور مستمر ارزیابی نموده تا نسبت به اوضاع و شرایط متغیر واکنش مناسب نشان دهد.

سناریوهای مختلف (سناریوهای اقتصادی و غیره) بر روی جریانهای نقدی و درآمدهای ناشی از ابزارها و مبادلات مالی مورد بررسی قرار می‌گیرند. بر همین اساس بانک با در نظر گرفتن هوشمندانه طیف وسیعی از مشکلات احتمالی - از درک غلط انتظارات مشتری تا نواقص عملیاتی - سعی در استخراج ملاحظات مهم کنترلی می‌نماید.

پ- فعالیت‌های کنترلی و تفکیک وظایف

۱) فعالیت‌های کنترلی، بخش جدایی ناپذیری از فعالیت‌های روزانه بانک را تشکیل می‌دهد. از آنجایی که لازمه یک نظام کنترل داخلی موثر، ایجاد ساختار کنترلی مناسبی است که در آن برای هر یک از سطوح کاری، فعالیت‌های کنترلی مربوط تعریف شده باشد لذا در این خصوص، موارد ذیل مدنظر قرار گرفته است:

انجام بررسی توسط سطوح عالی بانک، کنترل مناسب فعالیت‌های واحدها یا بخش‌های مختلف، کنترل‌های فیزیکی، بررسی میزان انطباق با محدودیت‌های تعیین شده در مورد مقدار منابع در معرض ریسک و پیگیری موارد عدم تطبیق، وجود نظامی از مصوبات و مجوزها، و استقرار نظامی از رسیدگی‌ها و رفع مغایرات.

۲) فعالیت‌های کنترلی بدین منظور طراحی شده و به اجرا درمی‌آیند تا ریسک‌هایی را که از طریق فرآیند ارزیابی ریسک شناسایی شده‌اند، مورد بررسی قرار گیرند.

فعالیت‌های کنترلی شامل دو مرحله می‌شوند:

- ۱-۲) وضع سیاست‌ها و رویه‌های کنترلی
- ۲-۲) بررسی میزان پیروی از سیاست‌ها و رویه‌های کنترلی

فعالیت‌های کنترلی، تمامی سطوح کارکنان بانک - از مدیریت تا کارکنان واحدهای عملیاتی - را در بر می‌گیرد که ذیلاً به نمونه‌هایی از فعالیت‌های کنترلی در بانک اشاره می‌شود:

- انجام بررسی‌ها توسط سطوح عالی - هیات مدیره و مدیریت اغلب متقاضی ارائه و دریافت گزارش‌های عملکرد هستند تا بر اساس آن گزارشها میزان پیشرفت بانک در حرکت به سمت اهداف را مورد ارزیابی قرار دهند.
- کنترل فعالیت‌ها - مدیریت واحدهای تابعه ذی ربط به صورت روزانه، هفتگی و ماهانه، گزارش‌هایی را پیرامون عملکرد استاندارد و موارد انحراف دریافت کرده و مورد بررسی قرار می‌دهند.
- کنترل‌های فیزیکی - تمرکز کنترل‌های فیزیکی معمولاً بر روی ایجاد محدودیت در دسترسی به دارایی‌های مشهود، از جمله وجوه نقد و اوراق بهادار است. فعالیت‌های کنترلی شامل محدودیت‌های فیزیکی، حفاظت مضاعف و کنترل ادواری موجودی‌ها است.

- رعایت حدود وضع شده در زمینه مقدار منابع در معرض ریسک - وضع حدود احتیاطی برای مقدار منابع در معرض ریسک، بخش مهمی از مدیریت ریسک را تشکیل می دهد. در نتیجه، فرآیند بررسی میزان انطباق با چنین محدودیت‌هایی و پیگیری موارد عدم مطابقت با آنها؛ بخش مهمی از کنترل‌های داخلی بانک را تشکیل می دهد.
- مصوبات و مجوزها - الزام به اخذ مصوبه و مجوز - برای معاملاتی که بیش از حدود تعیین شده هستند - این اطمینان را برای بانک به وجود آورده که سطح ذیربط مدیریت از معامله یا وضعیت مزبور آگاهی حاصل می کند و نتیجتاً به ایجاد پاسخگویی می انجامد.
- رسیدگی ها و رفع مغایرات - رسیدگی پیرامون جزئیات مبادلات و فعالیت ها و ستاده (خروجی) مدل های مورد استفاده بانک در زمینه مدیریت ریسک، جزء فعالیت‌های کنترلی مهمی به شمار می آیند. انجام تطبیق های ادواری همچون مقایسه جریانان نقدی با سوابق حسابها و صورت های مالی، ممکن است باعث شناسایی فعالیت ها و سوابقی شود که می بایست اصلاح شوند. در نتیجه مقرر گردیده هر وقت که مسائل یا مشکلات بالقوه مورد شناسایی قرار گرفتند، در اسرع وقت نتایج این تحقیقات به سطوح ذیربط مدیریت گزارش شود.

۳) با هدف افزایش اثر بخشی فعالیت های کنترلی بانک، مدیریت و تمامی کارکنان آنها را نه به عنوان یک وظیفه اضافی و جنبی - بلکه بعنوان بخشی جدایی ناپذیر از فعالیت روزمره خود به حساب می آورند. بر همین اساس چون اقدامات کنترلی بخش جدایی ناپذیری از فعالیت های روزانه را تشکیل می دهند، توان ارائه واکنش سریع به شرایط متغیر و اجتناب از هزینه های غیر ضروری را فراهم می آورند.

۴) از آنجایی که اگر مدیریت صرفاً مبادرت به وضع سیاست ها و رویه هایی مناسب برای فعالیت ها و بخش های مختلف بانک نماید، به تنهایی کافی نیست لذا به طور منظم این اطمینان حاصل می شود که تمامی بخش های بانک در انطباق با سیاستها و رویه های مزبور قرار دارند و کماکان می بایست بررسی و اعلام شود سیاست ها و رویه های موجود، همچنان به قوت خود باقی است یا خیر و این موضوع وظیفه اصلی اداره ارزیابی و حسابرسی داخلی به شمار می آید.

ت- چون لازمه یک نظام کنترل داخلی موثر، تفکیک مناسب وظایف و عدم تخصیص مسئولیت های متضاد به کارکنان است لذا سعی در شناسایی زمینه های بالقوه تضاد منابع با هدف به حداقل رساندن آنها شده و با نظارت دقیق و مستقل این روند استمرار دارد.

بر همین اساس وظایف درون بانک - تا حد ممکن، در بین افراد مختلف - تقسیم شده تا از این طریق ریسک دستکاری در داده های مالی یا حیف و میل دارائی به حداقل ممکن تقلیل یابد.

در خصوص مقوله تفکیک وظایف حوزه هایی که از تعارضات بالقوه برخوردار بوده اند، شناسایی شده و به حداقل ممکن تقلیل یافته اند و به نحو مقتضی، تحت نظارت هوشیارانه شخص ثالث مستقلی قرار گرفته اند. همچنین وظایف و مسئولیت های افراد کلیدی نیز به طور ادواری - مورد کنترل قرار می گیرد تا از تداوم صحت عملکرد آنها اطمینان حاصل آید.

ث- اطلاعات و ارتباطات

(۱) اطلاعات مکفی و ارتباطات اثر بخش، عواملی ضروری برای کارکرد مناسب یک نظام کنترل داخلی هستند. از نقطه نظر بانک، برای اینکه اطلاعات سودمند باشند لازم است که آنها، اطلاعاتی مرتبط، معتبر، به موقع و قابل دسترسی بوده و در قالبی هماهنگ (سازگار و همخوان) تهیه شده باشند. اطلاعات مزبور هم داده‌های مالی، عملیاتی و تطبیقی بانک را شامل می‌شوند و هم اطلاعات بازار خارجی در مورد رویدادها و شرایط مرتبط با تصمیم‌گیری را در بر می‌گیرند. اطلاعات داخلی، بخشی از یک فرایند ضبط سوابق است که باید رویه‌های موجود در مورد نگهداری از سوابق را شامل شوند.

(۲) بخش مهمی از فعالیتهای بانک، ایجاد و حفظ نظام‌های اطلاعات مدیریتی است که گستره کاملی از فعالیتهای آن را در بر می‌گیرد و این اطلاعات توسط ابزارهای الکترونیکی و غیرالکترونیکی تهیه می‌شوند. در مورد الزامات سازمانی و کنترل‌های داخلی مرتبط با پردازش الکترونیکی اطلاعات و نیز ضرورت برخورداری از یک زنجیره عطف حسابرسی مناسب؛ آگاهی‌های لازم کسب گردیده است.

(۳) بهره‌گیری از سیستم‌های الکترونیکی اطلاعات و استفاده از فناوری اطلاعات متضمن ریسک‌هایی است که بانک به شیوه موثری آنها را کنترل می‌نماید تا بدین طریق از ایجاد اختلال در عملیات تجاری و بروز زیان‌های بالقوه جلوگیری شود. کنترل‌های اعمال شده بر روی فناوری و نظام‌های اطلاعاتی، هم کنترل‌های عمومی و هم کنترل‌های کاربردی (تخصصی) را در بر گرفته است. کنترل‌های عمومی، کنترل‌هایی هستند که بر روی سیستم‌های رایانه‌ای (برای مثال رایانه مرکزی، سرویس گیرنده/ سرویس دهنده، و ایستگاه‌های عملیاتی کاربران نهایی) اعمال شده تا از صحت و استمرار عملیات آنها اطمینان حاصل شود. کنترل‌های عمومی شامل رویه‌های داخلی تهیه فایل‌های پشتیبان و بازیابی اطلاعات، سیاست‌های توسعه و خرید نرم‌افزار، رویه‌های نگهداری (کنترل تغییر) و کنترل‌های امنیتی در دسترسی فیزیکی و منطقی به اطلاعات است. کنترل‌های کاربردی نیز مراحل کامپیوتری در درون نرم‌افزارهای کاربردی و دیگر رویه‌های دستی هستند که پردازش مبادلات و فعالیتهای کاری را تحت کنترل دارند.

به عنوان مثال، کنترل‌های کاربردی شامل انجام بررسی‌های اصلاحی و اعمال کنترل‌های ویژه در دسترسی منطقی به اطلاعاتی است که تنها به یک سیستم تجاری خاص تعلق دارد.

(۴) علاوه بر ریسک‌ها و کنترل‌هایی که فوقاً اشاره شد و مدنظر بانک نیز قرار گرفته، ریسک‌هایی وجود دارند که با ایجاد زیان یا اختلال وسیع در خدمات همراه می‌شوند و توسط عواملی به وجود می‌آیند که خارج از کنترل و اختیار بانک هستند و از آنجا که توزیع خدمات بانک و مشتری، با مباحث مهم مبادلاتی، استراتژیک و نیز مباحث مربوط به شهرت بانک در ارتباط است این امکان وجود دارد که در شرایط حاد، چنین مسائلی به ایجاد مشکلاتی جدی برای بانک بینجامد و حتی توان انجام فعالیتهای کاری مهم را به مخاطره اندازد. برای مقابله با این خطرات بالقوه بانک برنامه‌هایی را برای راه‌اندازی مجدد فعالیتهای کاری و همچنین برنامه‌های اقتضایی پیش‌بینی کرده است. این امر شامل مدیریت امور تجاری است و به عملیات متمرکز رایانه‌ای محدود نمی‌شود لذا برنامه‌های راه‌اندازی مجدد فعالیتهای کاری به طور ادواری مورد آزمون قرار می‌گیرند تا از قابلیت کارکرد برنامه‌های مزبور در صورت وقوع یک حادثه غیرمنتظره اطمینان حاصل شود.

ج- یک نظام کنترل داخلی کارآمد نیازمند برخورداری از کانال‌های اطلاعاتی موثری است که اطمینان می‌دهد تمامی کارکنان، از سیاستها و رویه‌هایی که بر روی وظایف و مسئولیت‌های آنان اثر می‌گذارند؛ به طور کامل مطلع بوده و به آنها پایبند هستند. کانال‌هایی که اطمینان می‌دهند اطلاعات مرتبط دیگر نیز در اختیار کارکنان سطح مربوط قرار می‌گیرند.

(۱) چون بدون وجود ارتباطات موثر، اطلاعات سودمند نخواهد بود لذا به منظور حصول اطمینان از این که اطلاعات مورد نیاز در اختیار افراد ذیربط قرار می‌گیرد، مدیریت بانک، مسیرهای ارتباطی را ایجاد نموده است. اطلاعات مزبور هم سیاست‌ها و رویه‌های عملیاتی بانک را در بر می‌گیرد و هم شامل عملکرد واقعی سازمان در امور عملیاتی است.

(۲) در طراحی ساختار سازمانی موجود بانک، سعی گردیده که تسهیل‌کننده جریان کافی اطلاعات- به سمت بالا، پایین و در عرض سازمان- باشد به نحوی که اطمینان حاصل شود اطلاعات به سمت بالای سازمان جریان داشته و هیأت مدیره و مدیریت از ریسک‌های تجاری و کارکرد عملیاتی بانک به‌هنگام مطلع شوند. همچنین برقراری جریان اطلاعات به سمت پایین سازمان اطمینان می‌دهد که اهداف، استراتژی‌ها و انتظارات بانک و نیز خط‌مشی‌ها و رویه‌های جاری آن، به سطوح پایین‌تر مدیریت و کارکنان عملیاتی ابلاغ می‌گردد تا موجب تلاش واحد و منسجم تمامی کارکنان بانک در نیل به اهداف سازمان شود. همچنین مقرر است که اطلاعات یک واحد به سایر ادارات یا قسمت‌هایی که متأثر از آن اطلاعات هستند، منتقل شود لذا برقراری ارتباطات در عرض نیز جریان یافته است.

فعالیت‌های نظارتی و اصلاح نارسائی‌ها

ج- مراتب اثربخشی کلی کنترل‌های داخلی بانک، به طور مستمر تحت نظارت قرار گرفته است. نظارت بر ریسک‌های عمده و نیز انجام ارزیابی‌های ادواری توسط واحدهای تابعه ذی‌ربط و اداره بازرسی و حسابرسی داخلی به عنوان بخشی از فعالیت‌های دائمی و مستمر آنها انجام می‌گیرد.

(۱) از آنجا که بانکداری، صنعتی پویاست که به سرعت رشد و تکامل می‌یابد، بانک سیستم‌های کنترل داخلی خود را به طور مستمر و در پرتو شرایط متغیر داخلی و خارجی مورد نظارت و ارزیابی قرار می‌دهد تا به منظور حفظ اثربخشی سیستم‌های مزبور- در صورت نیاز- نسبت به بهبود آنها اقدام نماید.

(۲) نظارت بر اثربخشی کنترل‌های داخلی توسط کارشناسان حوزه‌های مختلف کاری بانک و به ویژه مدیریت امور مالی و اداره بازرسی و حسابرسی داخلی و مدیریت امور اعتبارات انجام می‌پذیرد. در همین راستا مدیریت به طور واضح مشخص نموده که هر یک از وظایف نظارتی توسط چه واحدی به انجام برسد. تعدد فعالیت‌های مختلف نظارتی در بانک، بر اساس ریسک‌های مربوط، ماهیت و کثرت تغییراتی که در محیط عملیاتی می‌بایست واقع شود را تعیین می‌نماید.

۳) به واسطه‌ی انجام فعالیت‌های مستمر نظارتی توسط واحدهای مختلف، کشف نواقص موجود در نظام کنترل داخلی و اصلاح آنها سریعتر محقق می‌گردد و نهایتاً اثربخشی کنترل‌های داخلی فزونی می‌یابد. از آنجایی که این ارزیابی‌ها توسط کارشناسان حوزه‌های کاری ذیربط، انجام می‌گیرد، هنگامی که اشخاص مسئول برای انجام یک وظیفه خاص، به تعیین اثر بخشی اقدامات کنترلی مربوط به فعالیت‌های خود می‌پردازند ارزیابی‌های موردی نظام کنترل داخلی شکل خود ارزیابی پیدا می‌کند تا مدیریت اقدام به بررسی مستندات و نتایج حاصل از ارزیابی‌های انجام شده نماید. تکلیف گردیده که بررسی‌های انجام شده در تمامی سطوح، به قدر کفایت مستندسازی شده و به موقع، به مدیریت ذیربط گزارش شوند.

ح- نهایت سعی بر آن شده که فرآیند انجام حسابرسی داخلی کارآمد و جامعی در مورد نظام کنترل داخلی ایجاد گردد. این امر توسط کارکنان آموزش دیده‌ای انجام می‌شود که از نظر عملیاتی نیز مستقل هستند. اداره بازرسی و حسابرسی داخلی به عنوان بخشی از نظارت کنترل‌های داخلی گزارش خود را حسب مورد به طور مستقیم به هیات مدیره یا کمیته حسابرسی آن و نیز به مدیریت ارائه می‌نمایند.

چون اداره بازرسی و حسابرسی داخلی گزارش‌های خود را به طور مستقیم و عالی ترین سطوح بانک ارائه می‌نماید و معمولاً سطوح مزبور شامل هیات مدیره، کمیته عالی بازرسی و حسابرسی داخلی و نیز مدیریت می‌شود لذا این موضوع امکان کارکرد مناسب حاکمیت شرکتی را از طریق ارائه اطلاعات به هیات مدیره فراهم می‌آورد.

خ- مقرر گردیده که نارسائی‌های موجود در کنترل داخلی، خواه توسط واحد کاری شناسایی شده باشند و خواه توسط اداره بازرسی و حسابرسی داخلی یا دیگر کارکنان واحدهای کنترلی؛ باید به موقع به مدیریت ذیربط گزارش شده تا فوراً مورد پیگیری قرار گیرند. همچنین نارسائی‌های مهم کنترل داخلی به مدیریت ارشد و هیات مدیره نیز گزارش می‌گردد.

۱) پس از وصول گزارش مذکور، مدیریت اقدامات لازم را در جهت رفع به هنگام نواقص معمول مزبور معمول می‌دارد. همچنین اداره بازرسی و حسابرسی داخلی اقدام به پیگیری بررسی‌ها یا دیگر اشکال مناسب نظارت نموده و بی‌درنگ، مدیریت و هیات مدیره را از هر گونه نقصی که اصلاح نشده است، مطلع می‌کند.

۲) هیات مدیره و مدیریت مقرر نموده‌اند که به طور ادواری، گزارش‌هایی تهیه و ارائه گردد که تمامی مباحث کنترلی شناسایی شده را به طور خلاصه در آن منعکس باشد، زیرا هنگامی که فرآیندهای کنترلی در ارتباط با یکدیگر مورد بررسی قرار گیرند، ممکن است این موضوعات به وجود نواقص و نارسایی‌های مهم در فرآیندهای کنترلی اشاره نموده تا تصمیم مناسب در جهت اصلاح و رفع آنها اتخاذ گردد.

د- وظایف و مسئولیت‌های حسابرسان مستقل

(۱) اگر چه حسابرسان مستقل به عنوان زیرمجموعه‌ی بانک به شمار نمی‌آیند و از این رو بخشی از نظام کنترل داخلی بانک به حساب نمی‌آیند، لیکن دارای تأثیر مهمی بر روی کیفیت کنترل‌های داخلی هستند. این مهم از طریق فعالیت‌های حسابرسی آنها از جمله تبادل نظر با مدیریت و ارائه توصیه‌های چند در خصوص بهبود کنترل‌های داخلی انجام می‌پذیرد. **حسابرسان مستقل بازخورد مهمی را در مورد اثربخشی نظام کنترل داخلی فراهم می‌آورند.**

(۲) گر چه هدف اولیه حوزه حسابرسی مستقل، اظهارنظر پیرامون حساب‌های یک بانک در پایان دوره‌های مالی است لیکن حسابرس مستقل اثربخشی نظام کنترل داخلی بانک را مورد ارزیابی قرار می‌دهد تا از صحت آن اطمینان حاصل کند و میزان اتکای آن را مشخص سازند.

(۳) علاوه بر مسئولیت قانونی حسابرس مستقل، بانک مرکزی ج.ا.ا در جایگاه مقام ناظر سیستم بانکی کشور تکلیف نموده که حسابرس مستقل در مورد حیطة، کفایت و اثربخشی نظام کنترل داخلی بانک و از جمله نظام حسابرسی داخلی آن ارزیابی ویژه‌ای به عمل آورند و موارد احتمالی عدم رعایت ضوابط و الزامات مقرر سیستم بانکی، به مرجع ناظر منعکس و گزارش شود که این امر توسط حسابرس مستقل بانک مشترک ایران و ونزوئلا نیز طی سنوات اخیر فعالیت مورد بررسی حسابرس مستقل قرار گرفته و نتایج حاصله به بانک مرکزی ج.ا.ا و مدیریت اعلام گردیده است.